

اسناد انتخابات

اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، اداره کل آرشیو و موزه دفتر رئیس جمهوری، تهران: ۱۳۷۸، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بیست+۲۵۰ص، ۱۱/۰۰۰ ریال.

از حدود یکصد سال پیش، آشنایی با تمدن جدید غرب از یک سو و ناکامی در مقابله با دشمن خارجی از سوی دیگر گروه فزاینده‌ای از دیوانسالاران و متفکران ایرانی را به سوی مجموعه متنوعی از آرمان‌های تجددطلبانه سوق داد. مجموعه‌ای که نهضت مشروطیت ایران ثمره اصلی آن بود. از جمله آرمان‌های اصلاح‌طلبانه متفکران مشروطه، ایجاد نظامی قانونمند بر اساس تفکیک قوا، بنیان‌گذاری ارتشی قوی، انجام اصلاحات اداری و اقتصادی، برقراری یک نظام حقوقی مَدون، گسترش نظام آموزشی جدید و ... بود. یکی از مهمترین راهکارهای انجام اصلاحات فوق، تشکیل مجلس (پارلمان) بود تا با وضع قوانین، راه را بر اجرای اصلاحات هموار نماید.

مجلس دوره اول تشکیل شد و با وجود دشواری‌هایی چند، با تصویب قانون اساسی و متمم آن ذر به رسمیت شناختن آزادی عقیده، شغل و سایر آزادی‌های قانونی گامی در روند اصلاحات

برداشت. و اما مشکلاتی چند باعث شد تا مجلس و حکومت‌های برآمده از انقلاب مشروطیت نتوانند اصلاحات را ادامه دهند. مشکلاتی چون ضعف و ناتوانی طبقه متوسط در مقابل توان و قدرت طبقات سنتی جامعه که خواهان حفظ روابط کهن بودند، دخالت قدرت‌های خارجی، اشغال کشور در جنگ جهانی اول از سوی قدرت‌های درگیر در جنگ، مشکلات ناشی از زیر ساخت‌های فرهنگی - اقتصادی جامعه، هرج و مرج و بروز ناامنی فراگیر، خطر تجزیه کشور در نتیجه کشمکش‌های سیاسی... از جمله دلایل عدم موفقیت مجلس و دولت‌های مشروطه از یک سو و از سوی دیگر سرخوردگی مردم از نظام جدید بود. به تعبیر دیگر، تا قبل از انقلاب مشروطیت، در ایران یک «نظم» ولو استبدادی حاکم بود. انقلابیون مشروطه خواه این نظم را برهم زدند و به دلایل متعددی که تبیین آن از حوصله این مقال خارج است، نتوانستند «نظم» مورد نظر خود را جایگزین نظم پیشین نمایند.

در چنین فضایی، روشنفکران و حتی توده‌های مردم، به این نتیجه «طبیعی» رسیدند که برقراری نظم، پایان دادن به هرج و مرج و برقراری امنیت را از سوی هر کسی - هر چند با مشقت‌های آهین - پذیرا باشند. اینگونه بود که رضاخان - رضاشاه بعدی - قد برافراشت و با شعار برقراری امنیت و ایجاد رفاه برای کلیه شهروندان، سرکوب گردنکشان و قدرت‌های محلی، کوتاه کردن دست اجانب از کشور و در یک کلام به اجرا درآوردن آرمان‌های مشروطه، قدرت را در دست گرفت و میراث‌خوار آن نهضت گردید.

و اما عکس‌العمل رضاشاه در قبال ارنیه نظام مشروطه چگونه بود؟ بررسی نحوه برخورد وی در مواجهه با مطبوعات آزاد، عدلیه، قوه اجرایی و غیره، از حوصله این یادداشت خارج است ولی باتوجه به انتشار کتاب اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، می‌توان به اختصار به نکاتی چند از نحوه برخورد او با مجلس شورای ملی پرداخت.

رضاشاه که از مجلس پنجم به عنوان سکوی پرش خود استفاده کرده بود و می‌دانست وجود یک مجلس واقعی می‌تواند در آینده به خطری بالفعل برایش تبدیل شود، تلاش کرد تا مجلسی مطیع بوجود آورد و این کار را از انتخابات مجلس دوره ششم آغاز نمود. در منابع گوناگون تاریخی مانند خاطرات رجال و پژوهش‌های تاریخی درباره دخالت دولت در انتخابات مجلس داوریهایی صورت گرفته است. برای نمونه مخبرالسلطنه هدایت در خاطرات و خطرات خود می‌نویسد: «در دوره نهم تقنینیه استدعا کرده بودم فرزندی نصرالله نمایندگی داشته باشد. لطف شاه به قدری بود که مأمور مخصوص از وزارت داخله به محلات رفت و آن امر را انجام داد». (چاپ دوم، صفحه ۴۱۳) همچنین پژوهشگران خارجی که به بررسی دوره رضاشاه پرداخته‌اند از دخالت دولت در کار قوه

قانون‌گذاری یاد کرده‌اند. به‌عنوان مثال ال. پی. ال. ال. ساین در کتاب *رضاشاه کبیر یا ایران نو که گویا* به قصد تعریف و تمجید از حکومت پهلوی تألیف شده است در بحث از چگونگی عملکرد مجلس، معتقد است: «عملاً قوانینی که شاه برای رفاه و آسایش ملت لازم تشخیص داده است به وسیله وزیران دیکته می‌شود و نمایندگان آن را تصویب می‌کنند». (چاپ دوم، صفحات ۶-۲۴۵)

با این حال با توجه به خطرات خاطرات که ناشی از ناتوانی در به یاد آوردن وقایع و بروز خُب و بغض خاطره‌نویس است و همچنین امکان بروز خطا در پژوهش‌هایی که بر اسناد متکی نبوده‌اند، بررسی نحوه عمل رضاشاه در مورد مجلس و به ویژه انتخابات آن می‌بایست بر پایه‌ای استوارتر بنیاد گیرد و اسناد منتشر شده از سوی مرکز اسناد ریاست جمهوری زمینه‌ای محکم برای این بررسی به دست می‌دهد.

انتخابات مجلس از دوره ششم تا دوازدهم و مسائل پیرامون آن، موضوع کتاب *اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی* است. بخشی مهم از اسناد این مجموعه، بیانگر دخالت وزارت دربار به ریاست تیمورتاش و پس از آن دفتر مخصوص شاهنشاهی، وزارت داخله و وزارت جنگ در امر انتخابات است. در مواردی نیز اسناد بیانگر توجیهات حکام و استان‌داران برای دخالت در انتخابات وکلای مجلس است. به عنوان نمونه حسن رئیس (والی خراسان و سیستان) در گزارش به وزارت دربار (سند شماره ۱۸، صفحات ۸-۴۵)، پس از آن که گزارشی از اوضاع منطقه و تلاش علمای خراسان با هدف اعزام نمایندگان روحانی به مجلس و مستعد بودن شرایط محلی برای موفقیت ایشان (به دلیل اعتقادات مذهبی مردم) ارائه می‌دهد، پیش‌بینی می‌کند که در صورت راه یافتن روحانیون به مجلس، «تشکیلات عدلیه که دست‌وپای آن‌ها را بسته است، در هم خواهد



ریخت و... کلینه اختیارات دولت را در کف خواهند گرفت...». حسن رئیس توصیه می‌کند که برای عدم تحقق پیش‌بینی‌اش تنها راه، دخالت دولت در امر انتخابات است: «باید به واسطه تعیین وکلای ایران پرست به شاهنشاه تاجدار ارواحنا فداه و دولت و ملتش خدمت کنیم و ایثار حقیقت نماییم و هر چه بتوانیم... انتخاب نماییم». در سند دیگری (سند ۲۵، صفحات ۷-۶۵) «متحدالمآل محرمانه» تیمورتاش به حکام ایالات در خصوص نحوه برگزاری انتخابات دوره هشتم منعکس شده است. «متحدالمآل» تأکید می‌کند: «... طبق اوامر ملوکانه... طبق صورتی که ارسال گردیده است، باید جدیت لازمه به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلیٰ حضرت اقدس شهریار یاری علاقه‌مند هستند که باید اشخاص مفصله‌المندرجه در صورت آف، باید به هر قیمتی باشد، انتخاب شوند». در ادامه حکام ایالات را تهدید می‌کند که اگر «اندک تعللی» در اجرای دستورالعمل دیده شود، حاکم مربوطه «مورد بی‌میلی اعلیٰ حضرت واقع خواهد شد». پس از آن تیمورتاش طی سیزده بند به ارائه راهکارهای نظارت و دخالت در اجرای انتخابات می‌پردازد. در همان بند اول تأکید می‌کند چنان‌که توانایی اجزای «مأموریت» را ندارید، «از تاریخ ملاحظه حکم تا ۴۸ ساعت از خدمت استعفا دهید». در بند دوم می‌افزاید از اقدامات مخالفان محلی جلوگیری کنید و «در صورتی که به مخالفت خودشان باقی هستند، فوراً آن‌ها را تبعید نمایید». در بند هشتم اضافه می‌کند «طبق امر همایونی»، در تمامی مراحل «باید با مشورت اداره قشونی حوزه حکومتی خودتان» هماهنگ باشید و با مشورت با امرای قشون «امر انتخابات» را خاتمه دهید. بند نهم در مورد افرادی است که داوطلب وکالت مجلس هستند ولی در فهرست مورد تأیید دربار جایی ندارند. این افراد باید در درجه اول «نصیحت» شوند. اگر «نصیحت» بی‌فایده بود، باید «تهدید» شوند و در صورتی که «تهدید» نیز بی‌تأثیر بود و «به جلسات خودشان ادامه» دادند، «راپرت دهید تا تبعید شوند». در آخرین بند که بند سیزدهم است، تأکید می‌شود که اگر تمام اقدامات و عملیات مندرج در دوازده بند قبلی بی‌نتیجه بود و عده‌ای از افراد تأیید نشده رأی آوردند، مشکلی نیست بلکه «اقدام دیگری در صندوق آراء خواهد شد. ولی این موضوع بعداً در صورت عدم موفقیت انجام خواهد شد».

استعلام حاکم اراک از تیمورتاش درباره نظر او برای کاندیدای مجلس از حوزه اراک، موضوع سند شماره ۵۷ (صفحه ۱۱۲) است. حاکم می‌نویسد: «به‌طوریکه نظمی و مأمور انتخابات اظهار می‌نمایند، امر شده آقای عراقی باید وکیل شود» و از طرف دیگر تجار هم نماینده دیگری در نظر دارند. در این صورت «مستدعی است تکلیف را محرمانه [معین] فرمایند تا مطابق امر رفتار و تأخیر نیفتد».

اسناد مورد اشاره در فوق، به مکاتبات وزارت دربار و حکام، یعنی حوزه آمرراجع بود. در ادامه برای نمونه دو سند نیز از نامزدهای وکالت مجلس، یعنی حوزه مأمور می‌آوریم. در صفحه ۱۲۳، نامه‌ای از محمدحسین افشار خطاب به تیمورتاش درج گردیده است (سند شماره ۶۵)، افشار که کاندیدای وکالت از گروس است ولی در حمایت دربار از خود تردید دارد، صریحاً به تیمورتاش می‌نویسد: «بعد از فضل خدا، تنها به استظهار توجهات مقدسه ذات عالی» وارد جریان انتخابات شده است ولی تاکنون که چند ماه از فعالیتش می‌گذرد، نظر مساعد و مشفقانه‌ای از طرف دربار مشاهده نکرده است. «عاجزانه استدعا» می‌کند «تکلیف قطعی» اش معین شود و در خاتمه می‌افزاید: «در صورتی که در آخر نتیجه اتخاذ می‌شود، به عملیات خود ادامه بدهم و الا برای حفظ آبرو، با اجازه حضرت اشرف عالی عدم قبولی خود را به اهالی و خمسه و غیره گوشزد بنمایم». دومین و آخرین سندی که از داوطلبان نمایندگی مجلس می‌آوریم، نامه جالبی است از سید اسدالله زوار به تیمورتاش (سند شماره ۶۹، صفحات ۳-۱۳۰). زوار که در دوره هفتم انتخاب نشده، اظهار تعجب کرده و به تیمورتاش می‌نویسد؛ حال که به مجلس راه نیافته، نمی‌داند زندگی‌اش را چگونه ادامه دهد «زیرا نه سابقه خدمت دارم... نه سرمایه نقدی... نه هم هوچی هستم که هوچی‌گری بنمایم، پس چه خاک بر سر بریزم. تو را به سر مقدس اعلی حضرت آیا چیز انتحار چاره دارم؟ البته با توجه به دیگر اظهارات زوار در ادامه نامه چنین به نظر می‌رسد که وی در مورد اخیر که ادعای عدم استعداد کافی برای «هوچی‌گری» است، شکسته‌نفسی کرده است. بقیه نامه‌اش را مرور می‌کنیم. می‌نویسد: «حضرت اشرف من فداتم. من دیوانه رژیم پهلوی‌ام. من عاشق اعلی حضرت و حضرت اشرف هستم. شاهد بر ادعایم این است که در این مدت چهار سال اوامرتان را دیوانه‌وار به موقع اجرا می‌گذاشتم». می‌افزاید: «حضرت اشرف! من خدمت از تمام این‌هایی که وکیل فرمودی نسبت به رژیم مقدس بیشتر است... صدای چاکر هنوز در فضای پارلمان برای مدرسه‌ها، آشتیانی‌ها، شیخ‌بیات‌ها، بهبهانی‌ها، بالاخره فرخی‌ها و طلوع‌ها... ضبط است» و می‌پرسد کدامیک از وکلایی که در این دوره انتخاب شده‌اند، با مخالفین دولت، مخالفت کرده بودند؟ زوار در ادامه با یادآوری سوابق خود در دفاع و حمایت از رژیم پهلوی در خراسان، رهانیدن تیمورتاش از دست مستبدین در گیرودار انقلاب مشروطه، زدن تودهنی به مدیر روزنامه حلاج به این علت که پشت سر تیمورتاش صحبت می‌کرده است و... می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد: «حضرت اشرف! من نوکر بیست و پنج ساله هستم».

«نوکر بیست و پنج ساله» در ادامه درباره رقبای انتخاباتی‌اش به سعایت می‌پردازد و به جان فرزندان تیمورتاش قسم یاد می‌کند تا بلکه مورد مرحمت قرار گیرد و به مجلس راه یابد. خطاب به

تیمورتاش ادامه می‌دهد: «ای کسی که غیر از تو امید و پناهی ندارم، به دادم برس، آقایی فرما، حیات و ممانم بسته به فتوت و جوانمردی حضرت اشرف است» و در خاتمه نامه، امضاء می‌کند: «چاکر بخت برگشته، زوار». شاید جالب‌تر از این نامه آن باشد که به خط تیمورتاش در حاشیه‌نامه می‌خوانیم: «جواب بدهید که وکالت که خدمت دولت نیست و به اجبار که نمی‌شود کسی را برخلاف میل تمام اهالی بر محلی تحمیل کرد...». گفتنی است که سید اسدالله زوار در دوره‌های دهم و یازدهم نیز به نمایندگی مجلس «انتخاب» شد.

در بین اسناد این مجموعه، چند سند (اسناد شماره ۷۹ و ۸۱ تا ۸۵) نشان‌دهنده دخالت دولت برای انتخاب فردی خاص به نمایندگی مجلس و چند سند (اسناد شماره ۷۱، ۷۳ و ۸۰) نیز بیان‌گر دخالت و مباشرت امرای نظامی در امر انتخابات است. همچنین بعضی از اسناد، منعکس کننده اعتراض مردم به نحوه برگزاری انتخابات است (اسناد شماره ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۷ و ...).

آنچه بیشتر آمد؛ بیان‌گر دخالت و اعمال نظر دولت در دوره رضاشاه در امر انتخابات بود و اگرچه در این بررسی فراغت آن نیست که به تحلیل عملکرد مجلس‌های آن دوره بپردازیم، اما جای این پرسش هست که آیا دخالت و اعمال نظر دولت در انتخابات، گزینه مورد نظر رضاشاه بود یا شرایط زمانه چنین اقتضاء می‌کرد؟ به نظر می‌رسد که باور رضاشاه به نوسازی آمرانه، در انتخاب این شیوه نقش داشت و وی به عنوان میراث‌بر نظام مشروطه از سویی نمی‌توانست اصل مجلس و انتخابات آن‌را نادیده بگیرد و از سوی دیگر، نوسازی سریع کشور که مورد نظر او و رجال عصر مشروطه همکار وی بود با سازوکار مجلس دموکراتیک (نظیر مذاکرات طولانی، استیضاح وزراء، ابراز مخالفت با عملکرد دولت، به تعطیلی کشاندن اعتراض‌آمیز مجلس از سوی نمایندگان اقلیت و ...) سازگاری نداشت.

ن تجربه نشان داد که مجلس آرام و مطیع دولت در مواردی نظیر تمدید مدت قرارداد دادرسی در سال ۱۳۱۲، خلاف منافع ملی عمل کرد. لازم به یادآوری است که دکتر مصدق با ارائه اسناد دخالت دولت در انتخابات مجلس نهم توانست رأی داوران بین‌المللی را به نفع این نظر کسب کند که آن مجلس فاقد مشروعیت مردمی و تصمیمات اتخاذ شده از سوی آن - از جمله تصویب قرارداد ۱۹۳۳ - بی‌اعتبار است. همچنین مجلس آرام و مطیع دولت، در شرایط عادی می‌تواند فعالیت کند و در زمان بروز بحران فاقد کارآیی خواهد بود. برای نمونه، مجلس ساخته رژیم رضاشاهی نتوانست در شرایط بحرانی بروز جنگ جهانی دوم و ورود قوای آلمان نازی به شوروی، تدبیری بیندیشد که حافظ منافع ملی ایران باشد. این تدبیرها می‌توانست معطوف به دورساختن ایران از معرکه جنگ یا کسب امتیاز از طرف‌های درگیر جنگ باشد. زبده سخن این که چنان مجلسی اگرچه

در برخی مقاطع به عنوان ابزار دولت برای تسریع نوسازی عمل کرده است لیکن در نهایت حتی نتوانست به بقای حکومتی که مبعوث آن بود، یری رساند.

در بخش دوم این نوشته به ذکر ایراداتی (هر چند جزئی) که در تدوین مجموعه مورد بحث راه یافته است می‌پردازیم با این امید که در چاپ‌های بعد و دیگر مجموعه‌های اسنادی در دست انتشار راه نیابند.

۱- ایراد اول به نامشخص بودن حیطة تاریخی اسناد انتشار یافته در این کتاب مربوط می‌شود: الف- در پشت جلد کتاب، حیطة تاریخی اسناد «۱۳۰۴-۱۳۱۱ ه.ش» عنوان شده است و، ب- در صفحه یک پیشگفتار، سال‌های «۱۳۰۴-۱۳۱۲ ه.ش» مطرح گردیده است. پ- روی جلد کتاب نوشته شده «اسنادی از [...] در دوره پهلوی اول» که قاعدتاً سال‌های بین ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ را در برمی‌گیرد و بالاخره آن که ت، در صفحه پنج مقدمه آمده است: «اسناد این مجموعه مربوط به انتخابات دوره‌های ششم تا دوازدهم مجلس شورای ملی است»، که با توجه به آخرین سند منتشر شده در این مجموعه که تاریخ ۱۳۱۸/۵/۱۸ را بر خود دارد، همین مطلب صحیح به نظر می‌رسد.

۲- در صفحه هفت مقدمه وعده داده شده که «[تصاویر] اصل اسناد»ی که ناخوانا بوده و در کتاب به جای کلمه ناخوانا نقطه‌چین آمده، در بخش «تصاویری از اسناد» گراور شده است. الف- متأسفانه تصویر سند شماره ۲۳/۱ (صفحه ۶۲) که «یک کلمه ناخوانا» داشته است، در بخش «تصاویری از اسناد» نیامده است. ب- در عین حال، تصویر سند شماره ۴۱/۱ (صفحه ۸۹) که هیچ کلمه ناخوانایی ندارد، در بخش «تصاویری از اسناد» (صفحه ۱۸۲) آمده است. همچنین است سند شماره ۶۹ و ...

۳- در موارد متعددی، تنظیم اسناد براساس ترتیب تاریخ اسناد نیست و ظاهراً این اشتباه از این جا ناشی شده است که در اسنادی که بهم پیوسته‌اند، اسناد متقدم به جای اسناد متأخر چاپ شده‌اند. از آن جمله است اسناد شماره ۱۲/۱، ۱۲/۲، ۱۲/۳، ۱۴/۱، ۱۴/۲ و ۲۳/۱، ۲۳/۲...

۴- سند شماره ۴/۱ تاریخ ۱۳۴۱ قمری را دارد ولی در بین اسناد سال ۱۳۰۵ شمسی آمده است. یا تاریخ ۱۳۴۱ قمری اشتباه چاپی است و یا اشتباهی در تنظیم اسناد صورت گرفته است.

۵- ناهماهنگی‌هایی نیز در تصحیح یکدست اسناد صورت گرفته است که به آنها اشاره می‌کنیم:

در بعضی موارد که تاریخ مندرج در اسناد، از سمت چپ ناقص درج شده‌اند، مصححان عدد مربوطه را درون [] جای داده و در جای خود نشانده‌اند. مانند سند شماره ۱/۱ (صفحه ۲) و سند ۶۷/۱ (صفحه ۱۲۸) و ... ولی در مواردی دیگر از این کار مفید دریغ ورزیده‌اند. مانند سند شماره ۲ (صفحه ۳) و سند شماره ۶۸ (صفحه ۱۲۹). در سند شماره ۶۹ (صفحه ۱۳۰) به حق؛ نام جدید شهر «ترشیز» را که کاشمر است در باورقی قید کرده‌اند ولی شایسته‌تر می‌بود اگر این کار را در باورقی مربوط به سند شماره ۶۳ (صفحه ۱۲۱) که نام «ترشیز» آمده است، انجام می‌دادند. همچنین بهتر بود همین کار با نام «باخزر» در باورقی سند شماره ۱۸ (صفحه ۴۶) صورت می‌گرفت. در سند شماره ۵۵ (صفحه ۱۰۸) بهتر بود نام «محمد» در [] آورده می‌شد زیرا در شرح سند نیز «محمدتقی خواجه‌نوری» نوشته شده نه تقی خواجه‌نوری.

۶- در نشانه‌گذاری بعد از ذکر تاریخ‌ها در مواردی مانند: «بهمن ۱۳۵۷»، «۱۳۰۴ - ۱۳۲۰» و «۱۳۲۰ - ۱۳۵۷» در صفحه سه و ... ضرورتی ندارد از حروف مُخفف «ه. ش» برای نشان دادن تاریخ هجری شمسی استفاده کنیم، زیرا اولاً وقتی می‌نویسیم ماه «بهمن»، مشخص است که مقصودمان تاریخ شمسی است. درثانی تاریخ‌های بعد از سال ۱۳۰۴ را شمسی بکار می‌بریم نه قمری.

۷- در موارد زیر اغلاط چاپی به متن کتاب راه یافته‌اند:

صفحه	سطر	نادرست	درست
۲	۱۰	انتریگ	انتریک
۳۴	۳	موسی	موسوی
۴۷	۱۷	ندهند	ندهد
۵۸	۱۵	ختلال	اختلال
۶۵	۵	نمره ۷۵۸	نمره ۷۸۱

۸- درباره صفحه‌بندی کتاب شاید ذکر این نکته بی‌مناسبت نباشد که به راحتی می‌شد صفحات را فشرده‌تر چاپ کرد و صفحات نیمه خالی زیادی (مانند صفحات ۶۰ تا ۶۳) را

بر نمود تا کتاب در حجم کمتر و در نتیجه با قیمت ارزان‌تر در دسترس خوانندگان قرار می‌گرفت.

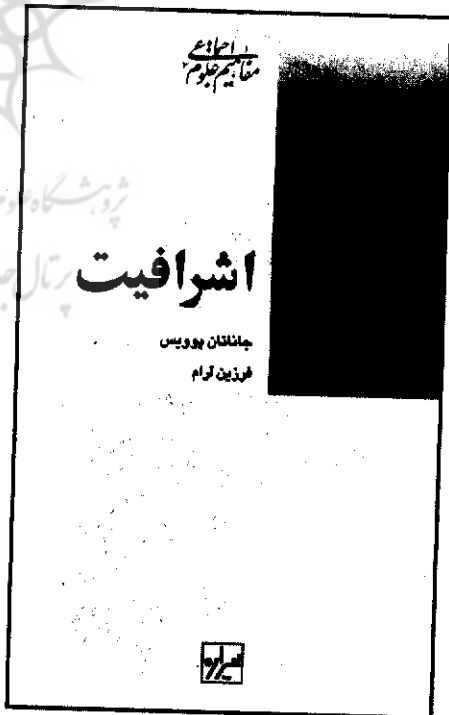
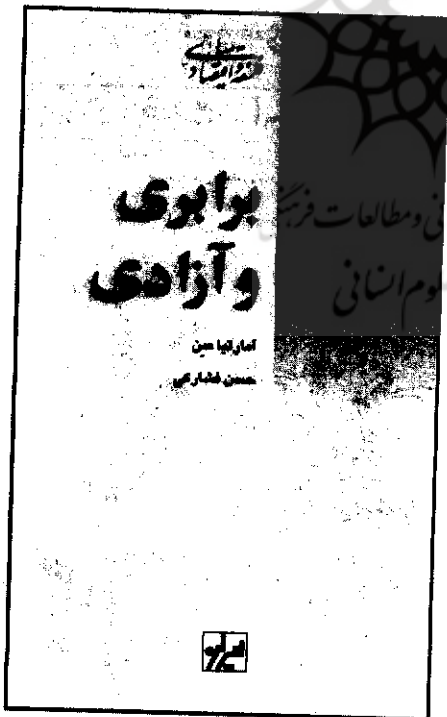
نکته آخر این که، اگر بپذیریم کار و زحمت اصلی برای به سامان رساندن این مجموعه ارزشمند بردوش «بازنویسان و مصححان» آن بوده است، «بازنویسان و مصححان»ی که به تعبیر مدیرکل آرشیو، اسناد و موزه ریاست جمهوری در پیشگفتار یکی دیگر از همین مجموعه‌های اسنادی انتشار یافته «کار بازخوانی، تحریر، تنظیم، تدوین، تهیه عکس، دستخط و شناسایی امضاهای» کتاب مورد بررسی را بر عهده داشته‌اند، جاداشت نام ایشان «آقایان علیرضا اسماعیلی، علی اکبر علی‌اکبری بایگی، حسن شفیعی» زینت‌بخش جلد کتاب می‌شد. در پایان لازم است از اداره اسناد موجود در مرکز اسناد ریاست جمهوری که با نشر چنین مجموعه‌هایی به انجام تحقیقات تاریخی در این مرزوبوم یاری می‌رسانند، تشکر گردد.

کتابخانه ۱۷۳





سیصد و پنجاه کتاب



از مجموعه

قدم اول

کامو

قدم اول

لوئیسده دیوید لرن میرویس - طراح : آگن کوزکوس
طرحم : روزبه معادی



کینز

قدم اول

لوئیسده پهلرآک - طراح : کریس کارآک
مترجم : علی بیگلر خیرمی



گکارت

قدم اول

نویسنده: دیورایانسون - طراح: گریس کارلوت
ترجمه: مهدی شکبیا



جوپس

قدم اول

نویسنده: لورل پروبر - طراح: زوران لوتیک
مترجم: منصوره علیمحمدی



جامعه شناسی

قدم اول

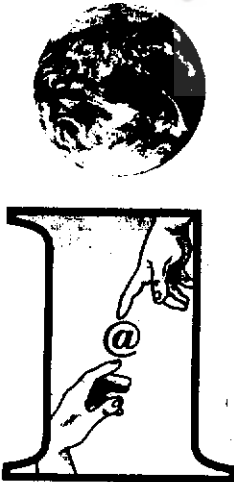
نویسنده: ریچارد آزیون - طراح: بولین وانلون
مترجم: رامین کرمیان



اینترنت

قدم اول

نویسنده: لورل پروبر - طراح: زوران لوتیک
مترجم: علیمحمدی



فرم اشتراک

فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو مجله‌ای است که از طریق مقالات، نقد و تفسیر اخبار به بررسی و ارزیابی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان می‌پردازد.

تکفروشی و حق اشتراک مهمترین منابع تأمین مخارج این نوع نشریات هستند. در صورتی که روش گفت و گو را می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و جامعه مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه (۴ جلد) در داخل کشور (با احتساب هزینه پست) هزار و دویست تومان است. برای مؤسسات و کتابخانه‌ها دو هزار و چهارصد تومان و برای محصلین و دانشجویان هزار تومان.

متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را نقداً به نماینده مجله بپردازند و رسید دریافت کنند. یا وجه اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۶۷۸/۵ بانک ملت شعبه بلوار کشاورز به نام مراد ثقفی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کدپستی) به نشانی صندوق پستی مجله ارسال کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

.....

.....

فرم اشتراک دوسالانه

فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو مجله‌ای است که از طریق مقالات، نقد و تفسیر اخبار به بررسی و ارزیابی مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران و جهان می‌پردازد.

تکفروشی و حق اشتراک مهمترین منابع تأمین مخارج این نوع نشریات هستند، در صورتی که روش گفت و گورا می‌پسندید و ماندگاری آن را برای فرهنگ و جامعه مفید می‌دانید ما را یاری کنید.

شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه (۸ جلد) در داخل کشور (با احتساب هزینه پست) دو هزار و چهارصد تومان است. برای مؤسسات و کتابخانه‌ها چهار هزار و هشتصد تومان و برای محصلین و دانشجویان دو هزار تومان.

متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را نقداً به نماینده مجله بپردازند و رسید دریافت کنند. یا وجه اشتراک را به حساب جاری شماره ۵۶۷۸/۵ بانک ملت شعبه بلوار کشاورز به نام مراد ثقفی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید کدپستی) به نشانی صندوق پستی مجله ارسال کنند.

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

.....

.....

با پیوستن به جمع مشترکان مجله جهان کتاب از تخفیفهای ویژه بهترین ناشران کشور بهره مند شوید!



مبلغ اشتراک را به حساب جاری ۱۰۷۲۶۶۰۳
تزدانگ تجارت شعبه فر دوسه جنوبی به نام مجید رهائی واریز کرده
اصل رسید بانکی را به همراه نشانی دقیق پستی و شماره تلفن خود
به نشانی نشریه ارسال فرمایید.
هزای اشتراک در داخل کشور برای اشخاص ۳۵۰۰ تومان است.
و برای موسسات ۱۲۷-۱۳۵۵ تلفن ۳۹۶۰۳۰۸

تهران - صندوق پستی ۱۲۷-۱۳۵۵ تلفن ۳۹۶۰۳۰۸

حقوق زنان

ماهنامه‌ی اجتماعی

مدیر و سردبیر: اشرف گرامی‌زادگان

ماهنامه‌ی حقوق زنان، به هدف افزودن بر آگاهی‌های حقوقی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان ایران منتشر می‌شود و می‌کوشد با آگاهی بخشی به زنان ایران، در آنان خواست سهیم شدن در ایجاد جامعه‌ی مدنی، توسعه‌ی فرهنگی و سیاسی را به وجود آورد و آنان را برای احقاق حقوق انسانی‌شان کوشا کند.

شرایط اشتراک:

بهای اشتراک سالانه‌ی مجله‌ی حقوق زنان در داخل کشور، برای ۱۲ شماره با احتساب هزینه‌ی پست برای تهران ۳۱۸۰ تومان و برای شهرستان‌ها ۳۲۴۰ تومان است. متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را به حساب جاری ۱۳۹۲۰ بانک ملی ایران شعبه‌ی امیرآباد (کد ۱۲۸) تهران - قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران - به نام مجله‌ی حقوق زنان واریز کنند و اصل برگه بانکی را با ذکر نشانی دقیق (با قید کدپستی) به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۳۶۳ ارسال کنند.

تلفن و دورنگار: ۶۴۳۳۴۲۶۰ و ۶۴۳۷۹۶۴

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

.....

.....

کدپستی: تلفن: